

ارایه مدلی برای بهبود کاربرد دانش در رشته‌های مهندسی: دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی

A model for improvement of knowledge application at the engineering: School of Ferdowsi University of Mashhad

Rezvan Hosseingholizadeh  
Educational Management  
Kamal Kharrazi,  
Abbas Bazargan &  
Khodayar Abili  
University of Tehran

رضوان حسینقلی زاده\*  
مدیریت آموزشی  
کمال خرازی،  
عباس بازرگان و  
خدایار ابیلی  
دانشگاه تهران

Abstract

The main goal of this study was to provide a model for improvement of knowledge application (KA) in the Engineering School of Ferdowsi University (ESFUM). To achieve this, exploratory mixed method design was used. In the qualitative research phase, a sample size of 31 (29 men, 2 women) was chosen for interview which were members of the Faculty of Engineering and industry. A sample size of 100 (98 men, 2 women) full time faculty members of ESFUM answered the questionnaire too. The exploratory interviews, document analysis and researcher-constructed Improvement of Knowledge Application questionnaire (IKNQ) were used in order to collect required data in both sections of qualitative and quantitative research. According to the qualitative results, eight main categories of perceived usefulness and perceived necessity, goal setting and coherence of knowledge, valuation of knowledge, action learning, academic culture, structure and management, relevance of research and experts and University economy were extracted as the main categories bearing on improvement of knowledge application. Then, these categories were surveyed and tested in ESFUM. Based on the results of fitting the model, the impact of perceived usefulness and perceived necessity, goal setting and coherence of knowledge, action learning, and structure and management on the application of knowledge was significant. Based on findings from qualitative and quantitative data analysis, the main requirements of implementation KA model in ESFUM were classified as technical requirements, cultural requirements, structural requirements, and economic requirements

**Keywords:** knowledge management, knowledge application, higher education

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، ارائه مدلی برای بهبود کاربرد دانش در دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد، با تأکید بر روش پژوهش آمیخته اکتشافی است. در مرحله پژوهش کیفی، گروه مورد مطالعه، را ۳۱ متغیر (۲۹ مرد، ۲ زن) از استادان دانشکده مهندسی و صاحبان صنایع تشکیل دادند. در مرحله پژوهش کمی نیز، حجم نمونه آماری مشتمل بر ۱۰۰ نفر (۹۸ مرد، ۲ زن) از اعضای هیئت علمی دانشکده مهندسی بودند. جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز از مصاحبه اکتشافی، تحلیل اسناد و پرسشنامه محقق ساخته کاربرد دانش (IKNQ) استفاده شد. بنابراین نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی، هشت مقوله اصلی، درک سودمندی و ضرورت دانش، هدف‌گذاری و پیوستگی دانش، ارزش‌گذاری دانش، تناسب پژوهش و تخصص، یادگیری در حین عمل، فرهنگ دانشگاهی، ساختار و مدیریت و جنبه‌های مالی و اقتصادی، به عنوان مقوله‌های اصلی بهبود کاربرد دانش شناسایی و استخراج شدند. آن‌گاه با پیمایش در جامعه آماری مورد مطالعه، فرضیات مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. در نتیجه، درک سودمندی و ضرورت کاربرد دانش بالاترین میزان و هدف‌گذاری و پیوستگی دانش، کم‌ترین میزان را در وضع موجود در دانشکده مهندسی به خود اختصاص دادند. برآزش مدل نشان داد که تأثیر سودمندی و ضرورت ادراک شده، هدف‌گذاری، ساختار و مدیریت و یادگیری هنگام عمل بر بهبود کاربرد دانش، معنی دار است. با استناد به نتایج به دست آمده، الزامات اصلی پیاده‌سازی مدلی بهبود کاربرد دانش در قالب الزامات فنی، الزامات فرهنگی، الزامات ساختاری و الزامات اقتصادی دسته بندی شدند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت دانش، کاربرد دانش، آموزش عالی

\*نشانی پستی نویسنده: تهران، صندوق پستی ۶۴۵۶-۱۴۱۵۵، پست الکترونیکی: rhgholizadeh@yahoo.com

Received: 09 Feb 2011 Accepted: 15 Jun 2011

دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۲/۲۵